

محدودیت‌های پذیرش توبه؛ مانعی برای کاهش جمعیت کیفری زندان

مریم نانکلی^۱ - حسنعلی مؤذن زادگان^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴)

چکیده

نظام کیفری اسلام با تأکید بر منزلت رفیع انسان راه بازگشت از خطا را مسدود نکرده است و توبه بزهکار را منشأ اثر می‌داند. این نهاد منعطف که همسو با راهبرد شرمسازسازی بازپذیرکننده است؛ امکان مناسبی برای حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان به شمار می‌رود. مسئله اساسی در این پژوهش دریافت پاسخ این سؤال است که نهاد شرعی توبه چه تأثیری بر کاهش جمعیت کیفری زندان دارد. تحلیل جایگاه توبه در فقه امامیه و قانون ایران و بررسی سازوکارهای آن، امکانات موجود سیاست جنایی را در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان ترسیم می‌نماید و این نکته را به‌دست می‌دهد که برای استفاده از این ظرفیت چه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست جنایی تقنینی با وجود تمام پیشرفت‌ها و تحولات کماکان دچار ضعف‌ها و خلأهایی است؛ مضاف بر آنکه عملکرد محاکم قضایی در اجرای قوانین توبه، رضایت‌بخش تلقی نمی‌شود. گسترش قلمرو پذیرش توبه در جرایم تعزیری از قبیل حذف محدودیت‌هایی چون تعزیرات منصوص شرعی، تکرار جرم و امکان پذیرش توبه در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶، بازنگری در قید لزوم احراز توبه، اصلاح و ندامت، پیش‌بینی نهادهای جانبی چون تشکیل پرونده شخصیت، اعمال نظارت کنترلی و حمایت‌گرانه از بزهکار و تعیین سازوکار پذیرش توبه در مراحل پس از صدور حکم از جمله پیشنهادهایی است که در راستای افزایش بهره‌وری راهبرد توبه مثرتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: توبه، حبس، تعزیر، کاهش جمعیت کیفری زندان، سیاست جنایی تقنینی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، Email: nankali1367@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

حقوق کیفری برای برقراری نظم، حمایت از بزه‌دیدگان و بازیابی تعادل در جامعه از ضمانت‌اجراهای کیفری استفاده می‌کند. یکی از این ضمانت‌اجراهای شایع که آسیب‌های متعددی به پیکره اجتماع وارد می‌کند، حبس است. افزایش آمار زندانیان در ایران^۱ و آثار نامطلوب این مجازات منجر به آن شده است که سیاست حبس‌زدایی همواره به عنوان راهکاری ضروری در اسناد بالادستی تبلور یابد و هرچند سال یکبار در سیاست‌های کلی نظام و قوانین برنامه توسعه مورد اشاره^۲ و موضوع قانون، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعددی قرار گرفته است.^۳

مختصات ویژه نظام کیفری اسلامی، ظرفیت سیاست جنایی ایران در حبس‌زدایی را توسعه می‌دهد. مجازات حبس در نظام اسلامی مجازاتی استثنائی است. بررسی موارد زندانی کردن بزهکار در فقه حکایت از آن دارد که تنها یازده عنوان حبس گزارش شده که سه مورد آن از باب مجازات و باقی موارد بازداشت موقت است. خطرناک بودن مجرم علتی برای حبس تلقی شده و در حقیقت این سیاست ناظر به سلب توان بزهکاری از مجرمان خطرناک است (توجهی و ابراهیم‌وند، ۱۳۹۳، صص ۸۰ و ۸۶-۸۵).

اصلاح، بازدارندگی، پیشگیری از وقوع مجدد جرم و در نهایت حفاظت جامعه در برابر مجرمین خطرناک از جمله کارکردهای حبس می‌باشند. اجتناب از مجازات اعدام، ناتوان‌سازی مجرم و حفظ جامعه از آسیب‌های مجرمان خطرناک و تکرارکنندگان جرم از آثار مثبت حبس است (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۹). بازداشتن زندانی از کار و فعالیت، مشکلات اداری و فنی زندان، ناکارآمدی زندان در پیشگیری از جرم، آموزش فرهنگ بزهکاری، شیوع امراض و فساد اخلاقی، ایجاد حس حقارت و اختلال در شخصیت زندانی و تحمیل آثار منفی بر خانواده زندانی از جمله آسیب‌هایی هستند که مخالفان کیفر حبس در استدلال‌ات خود به آن اشاره می‌کنند (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶، صص ۴۰-۳۰؛ محمودی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). با توجه به آثار سوء مجازات حبس شاید بتوان آن را تنها ابزاری برای ناتوان‌سازی بزهکار و جدا کردن مجرمان خطرناک از جامعه به کار بست (بهره‌مند، ۱۳۹۶، ص ۳۵۸).

یکی از امکانات ویژه نظام کیفری اسلامی که سبب انعطاف‌پذیری عدالت کیفری شده و راهکاری اساسی برای کاهش جمعیت کیفری زندان به شمار می‌رود، پذیرش توبه مجرمین است. این راهکار که همسو با نظریه شرمساری بازپذیرکننده است، آثار مثبتی را با خود به همراه دارد.^۴ اثر توبه مجرم، سقوط مجازات است و قاضی این اختیار را دارد که با رعایت شرایط مقرر در هریک از اقسام مجازات‌ها، از مجازات کردن توبه‌کننده درگذرد. فلسفه سقوط مجازات بر اثر توبه نشان از آن دارد که در سیستم کیفری اسلام، مجازات بااصاله مطلوبیت ندارد و اصلاح و بازدارندگی است که مدنظر است (قربان‌نیا، ۱۳۸۰، صص ۴۲-۴۰ و ۵۱).

۱. هرچند که آمار دقیقی از میزان افزایش جمعیت زندان در دست نیست؛ لیکن در سال ۱۳۹۸ اعلام شده است که ۱۸۹ هزار و ۵۰۰ نفر در زندان‌ها به سر می‌برند.
۲. ر.ک به: اصل ۱۵۶ قانون اساسی؛ بند ۱۴ سیاست کلی نظام در سال ۱۳۸۱، بند دوازدهم در سال ۱۳۸۸ و بند شصت و پنجم در سال ۱۳۹۴ و قوانین برنامه اول، سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۳. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹، دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، مصوب ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵؛ طرح ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها که در تاریخ ۱ آذر ۱۳۹۶ به تصویب رسید.
۴. بر اساس این نظریه میان شرمساری بازپذیرکننده و شرمساری انگ‌زننده تفاوت بسیاری وجود دارد و شرم بازپذیرکننده حاکی از واکنش‌های تقبیحی جامعه است که به طرد افراد نمی‌انجامد و مسیر بازپذیری وی را تسهیل می‌نماید. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: جان برایت ویت، (۱۳۹۶)، جرم، شرمساری، بازپذیرندگی، ترجمه رحمان صوبچی و همکاران، تهران، مجد.

از آنجا که تعیین دامنه بحث توبه در پژوهش در گروی تعریف آن است، در ادامه به تعریف این مفهوم اشاره می‌شود. توبه در لغت به معنای بازگشت از گناه می‌باشد (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۳۳). معنای اصطلاحی آن نیز از معنای لغوی دور نبوده و در بردارنده مفهوم بازگشت از گناه و متشکل از سه امر پی‌درپی است که هر کدام علت دیگری می‌باشد. علم به مضرات گناه، ندامت و پشیمانی و تصمیم و اراده به عمل ارکان توبه هستند (غزالی، ۱۳۸۷، صص ۷-۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۵).

آیات و روایات بی‌شماری در خصوص مفهوم توبه، شرایط و ارکان آن در منابع شرعی وجود دارد که مجال ذکر آن نمی‌باشد. هریک از این دلایل ناظر به حکم خاصی است اما کثرت تکرار لفظ در آیات و روایات سبب آن شده است که در تعریف توبه موضع‌گیری‌های متفاوتی اتخاذ شود؛ کما اینکه در روایتی توبه برابر با ندامت معرفی شده^۱ اما در روایتی دیگر به چهار مرحله توبه اشاره شده است.^۲

رجوعی به آرای حقوق دانان پرده از این حقیقت برمی‌دارد که در خصوص معنا و گستره توبه اتفاق نظر وجود ندارد. برخی بر این باورند که توبه عبارت از ندامت و پشیمانی است که اعتراف و اعتذار را در پی دارد و مانع از بازگشت به اعمال مجرمانه و گناه می‌شود. از این منظر پشیمانی و ندامت همان توبه است و عدم بازگشت به گناه ثمره ندامت حقیقی است. پس جان توبه همان سوز درونی و آتش ندامت است. شرایط و ارکانی که برای آن ذکر شده از باب مقدمه یا آثار شرایط توبه است (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، صص ۱۱۱-۱۰۹؛ شکری و سیروس، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵). به اعتقاد برخی دیگر توبه واجد سه عنصر اساسی معرفت بر زشتی رفتار مجرمانه و حقیقت کمال معنوی، ندامت و پشیمانی بر گناه و عزم و اراده بر دوری از جرایم و زشتی‌هاست (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵).

در نهایت به نظر می‌رسد که نزاع لفظی پیرامون این مسئله ثمره عملی ندارد و در نظام حقوق کیفری ایران ندامت و توبه دو عنوان متفاوت هستند. صرف ندامت مرتکب یکی از جهات تخفیف مجازات است؛ آنچنان که در بند ۳ ماده ۲۸ بدان اشاره شده؛ اما تأثیر توبه به مراتب بیش از ندامت است (توجهی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹). در نتیجه عوامل قانونی تخفیف مجازات نیز (نظیر مواد ۵۲۱، ۵۳۱ و ۵۸۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) که دلالت بر همکاری بزهکار در جرایم تعزیری دارد، منطبق با عنوان توبه نیست و در نتیجه در این پژوهش از آن سخنی به میان نمی‌آید.

دامنه پژوهش پیش‌رو بررسی توبه در جرایم تعزیری می‌باشد. گستردگی اختیار حاکم در جرایم تعزیری روند کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را تسهیل می‌نماید و از سوی دیگر اکثریت قریب به اتفاق موارد حبس بزهکار به جرایم تعزیری اختصاص دارد. مسئله اساسی در این پژوهش دریافت پاسخ این سؤال است که نهاد شرعی توبه چه تأثیری بر کاهش جمعیت کیفری زندان دارد. پژوهشگر به دنبال آن است که با بررسی ظرفیت گسترده سیاست جنایی اسلام در تعزیرات و پذیرش توبه مجرمین، مقایسه‌ای میان قلمرو پذیرش توبه در احکام اسلامی و قانون ایران (قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری) برقرار نماید و از این طریق، امکانات موجود و محدودیت‌های سیاست جنایی ایران را در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان ترسیم نماید.

آثار پژوهشی چندی در خصوص توبه بزهکار در قانون ایران تألیف شده است^۳ و نوآوری پژوهش پیش‌رو در مقایسه با آثار پیشین در آن است که امکانات سیاست جنایی تقنینی ایران در مقایسه با سیاست جنایی اسلامی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

۱. اللَّذَمُّ تَوْبَةٌ (صدق، ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۳۸).

۲. التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعَةٍ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَ عَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۸۱).

۳. احمد حاجی‌ده‌آبادی، محمد رجبی، (پاییز ۱۳۹۴)، تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حقوق اسلامی، شماره ۴۶.

این پژوهش بنیادی و توصیفی است و نگارنده درصدد آن است که با استفاده از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، جایگاه توبه در جرایم تعزیری را در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران تحلیل کند و پس از مقایسه، محدودیت‌ها و ایرادات موجود در سیاست جنایی تقنینی را متذکر شده و در حقیقت به این مهم اشاره کند که برای افزایش تأثیر توبه در کاهش جمعیت کیفری زندان چه اصلاحاتی مورد نیاز است. به همین منظور در مبحث اول از قلمرو پذیرش توبه در جرایم تعزیری سخن به میان می‌آید و در دومین مبحث از آن دسته از شرایط پذیرش توبه مجرم بحث می‌شود که ارتباط بیشتری با بزهدار و نحوه توبه دارد.

۱- قلمرو پذیرش توبه مجرم در جرایم تعزیری

در میان دیدگاه‌های فقهی، تنها قول مشهور امامیه و قول عیف خنابله و شافعیه از سقوط کلی مجازات توبه‌کننده در جرم غیر از محاربه سخن گفته شده است (عوا، ۱۳۸۵، ص ۷۹؛ طاهری و امینی، ۱۳۹۳، ص ۶). تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توبه موجب سقوط تعزیر نمی‌شد و تنها در خصوص برخی جرایم به آن اشاره شده بود اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مبحث پنجم از فصل یازدهم با عنوان سقوط مجازات به بیان قواعد کلی توبه پرداخته شده است. آنچه در ادامه می‌آید بیانی در باب احکام توبه و قلمرو آن است.

هرچند که مبحث عفو حاکم در محدوده تعزیرات، اهمیت بسیاری دارد، اما فقها متعرض آن نشده‌اند و در برخی از کتب فقهی معاصرین به اختصار به این مورد پرداخته شده است و چه بسا دلیل، آن است که با توسعه اختیارات حاکم در تعزیرات، جایی برای طرح سؤال مذکور باقی نماند؛ چون زمانی که قاضی می‌تواند مجازات تعزیری را بدون توبه مجرم عفو قرار دهد، عفو توبه‌کننده اولی خواهد بود (الطای، ۱۳۸۱، ۱۰۹).

فقه‌های امامیه به محض اثبات جرم، تعزیر را واجب نمی‌دانند. ایشان معتقد هستند ترک تعزیر تنها در جایی غیرجایز است که صاحب حق، راضی به ترک آن نباشد و اینکه جز مجازات، بازدارنده و رادعی وجود نداشته باشد؛ پس اگر این مهم با تذکر یا توبیخ تحقق یابد، می‌توان به همان اکتفاء نمود. در حقیقت تعزیر همانند نهی از منکر تابع مراتبی است (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۴۱۳). بنابراین در صورتی که تذکر، الزام به انجام تعهد و یا هر اقدام مشابه دیگر، منجر به بازداشتن مجرم از ارتکاب منکر شود، به همان اکتفاء می‌شود و تعقیب مجرم رها می‌شود.

۱-۱- حق الهی یا حق الناسی بودن جرم

بر اساس یک نظریه حق الناسی بودن جرم، مانعی برای پذیرش توبه مرتکب در آن است. پس صرف نظر از زمان توبه و نحوه اثبات جرم، توبه در جرایم حق الناسی منجر به سقوط تعزیر نمی‌شود و اختیار تعزیر در این موارد به دست شاکی است (حلبی، ۱۴۰۳، ق، ص ۴۲۰). در این جرایم، بعد از ثبوت و مطالبه طرف دعوی، تعزیر لازم می‌شود و حاکم حق عفو ندارد. ولی اگر طرف دعوی مطالبه نکرد، حاکم می‌تواند عفو کند و در گناهیانی که جنبه حق الناس

ندارند، حاکم جامع‌الشرایط، طبق صلاحدید خود عمل می‌کند (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ص ۴۰۸). استناد به اقوال فقها در باب حدود مهم‌ترین دلیلی است که این گروه بدان استناد می‌جویند. اما برخی دیگر با استناد به یک روایت مرسله حق‌الناسی بودن جرم را مانع پذیرش توبه نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، صص ۱۲۸-۱۲۳).

در نهایت به نظر می‌رسد که پذیرش نظریه‌ای که میان جرایم حق‌اللهمی و جرایم حق‌الناسی قائل به تفکیک می‌شود، موخه‌تر است. در جایی که به واسطه ارتکاب برخی از گناهان و جرایم، حق‌الناس بر انسان واجب می‌گردد، فرد عاصی باید درصد جلب رضایت قربانی برآید و حقش را ادا نماید و گذشت در این جرایم تنها با گذشت زیان‌دیده قابل تصور است (شیری، ۱۳۷۲، صص ۷۰ و ۱۷۴).

ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی از جرایم تعزیری درجه شش تا هشت به نحو مطلق یاد می‌کند. نظریه مشورتی اداره حقوقی شماره ۷/۹۲/۹۵۲ سقوط مجازات توبه‌کننده در جرایم تعزیری را اعم از قابل گذشت یا غیرقابل گذشت معرفی کرده است. حقوق‌دانان با تمسک به اطلاق ماده ۱۱۵ بر این باورند که در پذیرش توبه جرم تعزیری تفاوتی میان حق‌اللهمی یا حق‌الناسی بودن نیست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱). البته به نظر می‌رسد که پذیرش توبه در جرایم حق‌الناسی نباید به معنای نفی حق بزه‌دیده باشد با این قید که پذیرش توبه مجرم منوط به تحقق ارکان بوده و تحصیل رضایت بزه‌دیده و ادای حقوق وی از ارکان توبه در جرایم حق‌الناسی است.

۱-۲- درجه جرم

ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی با ذکر عبارت جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، سقوط مجازات توبه‌کننده را در جرایم تعزیری کم‌خطر پذیرفته و در سایر جرایم تنها از اختیار تخفیف در مجازات سخن گفته است. در حالی که ندامت که امری پایین‌تر از توبه است، در زمره کیفیات مخففه است و معلوم نیست که توبه بزهکار در این موارد چه ثمره عملی را برای او به دنبال دارد. این رویکرد قابل انتقاد بوده و با گستردگی اختیار حاکم در تعزیرات در تناقض است. به علاوه آنکه توبه در جرایم شدید حدی موجبی برای سقوط مجازات است و منطقی نیست که در جرایم تعزیری که از اهمیت کمتری برخوردارند، قائل به این تفکیک شد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵). حتی اگر مقصود قانونگذار آن باشد که از سقوط مجازات بزهکاران خطرناک اجتناب نماید، این مقصود حاصل نمی‌شود؛ زیرا سبک‌تر بودن درجه جرم لزوماً به معنای کم‌خطر بودن بزهکار نیست. پیشنهاد آن است که قانونگذار در اصلاحات تقنینی بعدی به این مهم نیز نظر داشته باشد و این گزاره را مدنظر خود قرار دهد که برای اجتناب از سقوط بی‌رویه مجازات به خطرناک بودن مجرم توجه نماید. پیش‌بینی تشکیل پرونده شخصیت در این گونه موارد، راهکاری است که امکان استفاده از ظرفیت‌های ویژه سیاست جنایی اسلام را هموار می‌کند. با این اقدام اطلاعات مفید و قابل استفاده‌ای در اختیار قاضی قرار می‌گیرد که وی را در احراز میزان خطرناک بودن مجرم یاری می‌رساند.

۱-۳- تعزیر منصوص شرعی

تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، قید دیگری به پذیرش توبه بزهکار می‌زند که عبارت از تعزیر منصوص شرعی است. قائل شدن به چنین تفکیکی جای تعجب دارد زیرا توبه مرتکب در جرایم حدی که از شدت و اهمیت بیشتری برخوردارند، در ماده ۱۱۴ پذیرفته شده است. حال سؤال آن است که استثنا شدن تعزیرات منصوص شرعی از ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به معنای عدم پذیرش توبه است؟ به نظر می‌رسد که این نتیجه عادلانه نباشد و تعزیرات منصوص شرعی باید تابع احکام توبه در حدود باشد. توجه به مبانی شرعی و

اصول تفسیر حقوق کیفری اقتضای آن را دارد که توبه در جرایم تعزیری منصوص شرعی ذیل ماده ۱۱۴ و با رعایت احکام مقرر در آن مورد بررسی قرار گیرد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۲).

نکته دیگر آنکه ناشناخته بودن مفهوم تعزیر منصوص شرعی با اصل صراحت در قانونگذاری در تعارض است و منجر به ایجاد رویه‌های متعدد می‌شود. آنچنان که برخی همجنس‌گرایی مردان در غیر از موارد لواط و تفریح (ماده ۲۳۷)، ازاله بکارت غیر همسر (ماده ۶۵۸)، روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا (ماده ۶۳۷) و تظاهر علنی به ارتکاب حرام (ماده ۶۳۸) را از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی برمی‌شمرند (جریده اصل، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶). اما برخی دیگر تنها مصداق تعزیر منصوص شرعی را ماده ۶۳۷ می‌دانند (برهانی و نادری‌فرد، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰).

تعزیر منصوص شرعی اصطلاحی فقهی است و با توجه به ابهام قانون و با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی با رجوع به فقه تعریف می‌شود. اما سؤال آن است که کدامیک از نظریات فقهی در این خصوص معتبر است زیرا به صورت کلی چهار نظریه در این زمینه وجود دارد.^۱ شورای نگهبان در بیان نظریات خود آشکار ساخته است که تابع آن نظریه فقهی است که تعزیرات منصوص شرعی را به نحو موسعی تعریف می‌کند، حال سؤال آنجاست که آیا لزومی به تبعیت از این نظریه وجود دارد؟

برخی بر این باورند که شورای نگهبان بخشی از فرایند تصویب قانون است پس رجوع به نظریات شورای نگهبان برای فهم تأسیس منصوص شرعی معیار اصلی است. بررسی نظریات شورای نگهبان در خصوص موادی که تعزیرات منصوص شرعی از آنها مستثنا شده حاکی از آن است که شورای نگهبان مجرماتی را که برای آنها تعزیر جعل شده تعزیر منصوص شرعی قلمداد می‌کند؛ چه اینکه مجازات آن تعیین شده یا نشده باشد (ساریخانی و توکل‌پور، ۱۳۹۵، صص ۱۰۵-۱۰۳).

به نظر می‌رسد که الزامی به پیروی از نظریه شورای نگهبان نیست و باید با توجه به اصل ۱۶۷ مشکل اجمال را حل کرد اما فتاوی و منابع معتبر هم این مشکل را حل نمی‌کنند. در نهایت باید یکی از این دو راهکار را برگزید یا آنکه با معیاری شخصی و در هر مورد خاص به فتاوی مرجع تقلید مراجعه کرد و تصمیم گرفت یا آنکه با استفاده از اصول تفسیری حقوق کیفری رویکرد حداقلی به تعزیرات را پذیرفت (برهانی و نادری‌فرد، ۱۳۹۴، صص ۱۰۸-۱۰۶).

۲- شرایط بزهار و قلمرو پذیرش توبه مجرم

افزون بر قلمرو جرم که ذکر آن در مبحث پیش از نظر گذشت؛ پذیرش توبه بزهار شرایط دیگری نیز دارد. آنچه در ادامه می‌آید بیانی در باب این شرایط و جایگاه آن در سیاست جنایی تقنینی و فقه امامیه است.

۲-۱- زمان توبه بزهار

برخی با تمسک به اطلاق لفظ حد، عدم تفاوت حد و تعزیر و استناد به قیاس اولویت احکام توبه در حدود را در جرایم تعزیری نیز ساری و جاری می‌دانند (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶، صص ۵۰۸-۵۰۴). مشهور فقها بر این باورند که توبه مرتکب در جرایم حق‌اللهی قبل از اثبات جرم منجر به سقوط مجازات می‌شود و حتی بر آن ادعای اتفاق شده است (فاضل

۱. این نظریات هر کدام تعزیرات منصوص شرعی را مشتمل بر دو، سه، چهار و یا پانزده مورد می‌دانند. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: محسن برهانی، مریم نادری‌فرد، (بهار ۱۳۹۴)، تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی، پژوهش حقوق کیفری، شماره دهم، سال سوم.

هندی، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۳۵). توبه پس از اثبات جرم با بینه موجب سقوط مجازات نمی‌شود و در موارد اثبات جرم با اقرار حاکم بنا به صلاحدید خود عمل می‌کند (طباطبایی حائری، بی‌تا، ص ۴۶۵).

لیکن برخی دیگر با استناد به اختیار گسترده امام در تعزیرات، تفصیل یادشده را نادرست پنداشته و بر این باورند که حاکم می‌تواند در جرایم تعزیری به صلاحدید خود عمل کند و در هر مقطعی به عفو مجرم مبادرت ورزد؛ مشروط بر آنکه شرایط اصلاح پدید آمده باشد. خواه آنکه جرم با اقرار یا بینه ثابت شده باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۲۹).

حال باید دید که کدامیک از این نظریات در قانون مورد پذیرش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که اطلاق موجود در ماده ۱۱۵، گویای آن است که توبه قبل و بعد از اثبات مورد پذیرش است (صابر و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۹۱).

توبه بزهار در دادگاه منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب خواهد شد و در این خصوص اختلاف نظری وجود ندارد. آنچه که محل تردید است مربوط به بحث توبه در دادسراست. برخی توبه متهم را موجهی برای صدور قرار موقوفی تعقیب می‌دانند (صابر و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴، ۹۱). در حالی که برخی دیگر بر این باورند که پس از توبه در دادسرا کیفرخواست صادر می‌شود؛ زیرا اعمال آثار توبه به دست حاکم است و حاکم منصرف به مقام صادرکننده حکم است (زرعت، ۱۳۸۶، ۴۸-۴۷). در نتیجه توبه باید نزد قاضی دادگاه (اعم از بدوی و تجدیدنظر) صورت گیرد و توبه نزد بازپرس و دادیار منجر به موقوفی تعقیب و مجازات نخواهد شد. در چنین حالتی مقامات دادسرا پس از ثبت اظهارات متهم و تکمیل تحقیقات حسب مورد مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست می‌کنند و پرونده جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه ارسال می‌شود (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰).

نظریه شماره ۷/۹۲/۲۳۴۶ اداره حقوقی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ نیز در پاسخ به سؤال توبه در مراحل مختلف رسیدگی اشعار می‌دارد: «با توجه به اطلاق ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مرتکب جرم تعزیری در هر مرحله از مراحل دادرسی توبه نماید، مشمول این ماده است اعم از مرحله بدوی، تجدیدنظر و اعاده دادرسی.» برخی بر این باورند که اطلاق ماده ۱۱۵ با وجود ماده ۱۱۸ مقید می‌شود. این ماده مقرر داشته است که متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید. در نتیجه توبه وی پس از صدور حکم قطعی موجهی برای اعاده دادرسی نمی‌باشد (صابر و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴، ۹۱). پذیرش توبه مجرم حدی پس از اثبات جرم و درخواست عفو از مقام رهبری (در فرض اقرار) با استناد به ماده ۱۱۴ و وسعت اختیار حاکم در تعزیرات این نظریه را به ذهن متبادر می‌سازد که توبه مجرم در تعزیرات پس از صدور حکم قطعی نیز مورد پذیرش قرار گرفته و موجهی برای عدم اجرای حکم یا متوقف ساختن آن باشد. در نتیجه ماده ۱۱۸ تنها ناظر به مرحله پیش از اثبات جرم تلقی می‌شود.

با وجود آنکه نظریه اخیر با اصول سیاست جنایی اسلام تناسب بیشتری دارد اما سازوکار قانونی نحوه پذیرش توبه در جرایم تعزیری پس از قطعیت حکم در قانون ذکر نشده است. در این شرایط می‌توان از سایر نهادهای ارفاقی استفاده کرد تا بزهار به حداقلی از امتیازات دست یابد. به عنوان نمونه توبه بعد از قطعیت حکم می‌تواند منجر به عفو توسط مقام معظم رهبری گردد؛ آنچنان که در تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی آمده است. نکته قابل ذکر آنکه این ماده در خصوص حبس‌های غیرتعزیری است اما اثبات شی نفی ما عدا نمی‌کند. به علاوه آنکه وقتی این اختیار در حدود وجود دارد به طریق اولی باید در تعزیرات نیز وجود داشته باشد.

ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد که اگر رئیس قوه قضائیه با پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات به مقام رهبری موافق باشد و دستور توقف اجرای حکم را بدهد، اجرای حکم متوقف می‌شود.

شاید برخی بر این باور باشند که این اختیار متفاوت از درخواست آیین‌نامه عفو می‌باشد چه اینکه در این صورت نیازی به تصریح آن نبود؛ لیکن به نظر می‌رسد که ماده یادشده به دنبال بیان حکم توقف اجرای حکم محکوم‌علیه در فرض درخواست عفو یا تخفیف است و در هر حال مقید به قیود آیین‌نامه مذکور است. آنچنان که حکم حبس از ماده استثنا شده در حالی که تردیدی در امکان عفو زندانی نیست. پس باید توجه داشت که بنا به نص صریح ماده درخواست عفو یا تخفیف محکوم به حبس اعم از حدی و یا تعزیری منجر به توقف اجرای مجازات نمی‌شود و محکوم تا زمان اعطای عفو یا تخفیف در حبس می‌ماند؛ نه اینکه اصل اختیار درخواست عفو یا تخفیف زیر سؤال رود (شاهچراغ و حاجیلو، ۱۳۹۵، ص ۷۷).

باید توجه داشت که از فحوای کلام قانونگذار استنباط می‌شود که عفو در مورد محکومان مجازات حبس با سپری شدن مدتی از حبس ممکن می‌شود؛ چه اینکه اظهار نظر مدیرکل زندان استان درباره تأثیر مجازات و اصلاح بزهکار ضروری است (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۷). در این صورت بزهکاری که از خطای خویش توبه کرده است باید مدتی را در زندان سپری نماید، قیدی که اصلاح سیاست جنایی تقنینی در خصوص توبه بزهکار را ضروری می‌نمایاند.

۲-۲- عدم تکرار جرم

تبصره ۱ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد که مقررات توبه در مورد کسانی که مقررات تکرار جرایم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. به نظر می‌رسد که این تبصره در راستای آن وضع شده باشد که از اعطای امتیاز به مجرمین حرفه‌ای جلوگیری شود چون اصرار بر گناه نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به قوانین الهی است پس توبه برای کسانی که مرتکب تکرار جرم می‌شوند، مؤثر نیست (طاهری، ۱۳۹۳، ص ۱۲). هرچند که دقت نظر قانونگذار در اجتناب از سوءاستفاده مجرمین حرفه‌ای از نهاد مذکور قابل ستایش است؛ اما باید در نظر داشت که این امکان عقلی منتفی نیست که بزهکاری با وجود تکرار جرم از اعمال مجرمانه‌اش توبه حقیقی نماید. پیشنهاد آن است که در اصلاحات متعاقب قانونی، قید مذکور مورد تجدیدنظر قرار گیرد و به جای سلب اختیار کامل، سخت‌گیری و دقت نظر بیشتری اعمال شود یا آنکه با توصیه به صدور قرارهای ارفاقی و اعمال نظارت و مراقبت بر بزهکار، فرایند شرمساری را تحت نظر قرار دهد و در صورت حصول اطمینان از صحت آن، توبه وی را منشأ اثر تلقی نماید.

۲-۳- احراز توبه مجرم

توبه حالتی درونی است که با وسایل مستقیمی چون اعلام خطا و عذرخواهی یا وسایل غیرمستقیم مانند رفتار نیک آشکار می‌شود. عامل توبه به لحاظ روانی انشاء اما از نظر ظاهری اخبار است پس قابلیت صدق و کذب دارد. توبه با هر دلیل می‌تواند اثبات شود و مهم حصول قناعت وجدان است. تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شرط احراز توبه در قانون وجود نداشت و برای حل این معضل به منابع شرعی مراجعه می‌کردند (زراعت، ۱۳۸۶، صص ۴۷-۴۶).

باید در نظر داشت که یقین قاضی به پشیمانی مجرم با وجود کثرت مجرمان و عدم ارتباط مستقیم بین قاضی صادرکننده حکم و مجرم ناممکن است. انتظار ارائه دلیل از توبه‌کننده دشوار است و چون از موارد درونی است، مطالبه دلیل از امور باطنی منجر به عسر و حرج می‌شود و اتفاقاً در مورد توبه هرچه سری‌تر باشد آثار و برکت

بیشتری دارد. پس باید به صرف اظهار لفظی حکم به سقوط داد و اگر یقین به دروغ حاصل شود، توبه را نباید قبول کرد. اصل صحت و ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه بر کیفر نیز دو اصل دیگری هستند که پشتوانه نظریه پذیرش ادعای توبه هستند.

در برخی از استفتائات صورت گرفته، اظهار توبه به لفظ کافی دانسته شده بود^۱ و تنها یک مرجع اظهار داشته که برای پذیرش توبه باید عملی ظاهر شود که دال بر توبه باشد (داوریار، ۱۳۸۴، صص ۱۱۹-۱۱۸).

پس اگر متهمی ادعای توبه کرد و حاکم تردید داشته باشد ادعای وی پذیرفته می‌شود مگر در جایی که یقین به کذب وی موجود باشد. برخی ممکن است با استناد به اصل استحباب عدم پذیرش توبه را صحیح بدانند اما این مورد محل جریان اصل استحباب نیست و قاعده درء حاکم بر اصل استحباب خواهد بود. با این تفصیل حقوق متهم نیز حفظ می‌شود (مرعی شوشتری، ۱۳۷۵، صص ۱۲۲-۱۲۱؛ موسوی بجنوردی و سلطانیان، ۱۳۸۶، ص ۸).

حال سؤال آن است که عمل صالح نیز در مفهوم توبه مستتر است؟ در آیات متعددی از قرآن کریم، اعمال صالحه بعد از توبه و قرین با آن ذکر می‌گردد^۲ و روایات چندی نیز بر اشتراط اعمال صالح در سقوط مجازات توب تکیه می‌کند.^۳ در این نظریه سقوط حد مبتنی بر آن است که نیک‌کرداری و رفتار شایسته مرتکب نیز احراز شود و صرف اقرار برای سقوط حد کافی نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ق، ص ۱۹۶).

اگر اصلاح عمل شرط تحقق توبه باشد احراز توبه با یافتن عمل صالح ممکن می‌شود اما اگر گفته شود که عمل صالح از متفرعات توبه است، عمل صالح لازم نخواهد بود (مرعی شوشتری، ۱۳۷۹، صص ۱۳۶ و ۱۴۰). بدون تردید توبه همراه با اصلاح عمل است اما به نظر می‌رسد که عمل صالح نشانه‌ای از استمرار توبه است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ق، ص ۲۸۹). آنچنان که در ذیل آیه شریفه فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ اصْلَحَ فَانَ اللَّهُ تَوَّابٌ عَلَيْهِ^۴ آمده است که انجام عمل صالح نشان‌دهنده نصح بودن توبه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۵). پس به عبارتی نمی‌توان آن را از ارکان توبه دانست و احراز این قید برای سقوط مجازات دست قاضی را باز می‌گذارد (داوریار، ۱۳۸۴، صص ۱۱۸-۱۱۹).

با همه این تفاسیر، ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که با احراز توبه مجازات جرایم تعزیری درجه شش تا هشت ساقط می‌شود. ماده ۱۱۷ نیز احراز توبه، اصلاح و ندامت را شرط ضروری تأثیر توبه دانسته بدون آنکه ملاک آن را تعیین کرده باشد و در فرض اثبات تظاهر به توبه، از الغای سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده سخن می‌گوید.

احراز ندامت واقعی و اصلاح مرتکب در اثر توبه، وظیفه دشواری است. اعطای اختیار اعتراض به دادستان در حقیقت عاملی برای نظارت دادستان بر این شرایط دشوار است (خالقی، ۱۳۹۵، ۱۳۳). عدم تعیین سازوکار مشخص برای اثبات توبه ایجاد مشکل می‌کند و شایسته‌تر آن است که قانونگذار با ایجاد وحدت رویه ملاک‌های عینی را برای اثبات توبه شرط بداند.

۱. آیات عظام صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی

۲. آیه ۱۶ سوره مبارکه نساء، آیه ۴۳ سوره مبارکه مائده، آیه ۲۷ سوره مبارکه فرقان و آیه ۵ سوره مبارکه نور

۳. فِي رَجُلٍ سَرَقَ أَوْ شَرِبَ الْخَمْرَ أَوْ زَنَى فَلَمْ يُعْلَمْ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْخَذْ حَتَّى تَابَ وَ صَلَحَ فَقَالَ إِذَا صَلَحَ وَ عُرِفَ مِنْهُ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يُقَمْ عَلَيْهِ الْحَدُّ (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۵۰).

۴. آیه ۷۰ سوره مبارکه فرقان

برخی بر این باورند که با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی برای احراز توبه باید به منابع شرعی مراجعه نمود و به ملاک‌های مقرر در آیات و روایات نظر داشت (صالح احمدی، ۱۳۹۲، ۲۴۴). شاید برخی استدلال کنند که به صرف ادعای توبه برای قاضی شبهه حاصل می‌شود و در نتیجه قاعده درء جریان یابد (قربان‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۸۳؛ شامیاتی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۵). اما به نظر می‌رسد که قاعده درء در این خصوص وجهی ندارد زیرا محل جریان قاعده درء با استناد به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی در مواردی است که وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد. به علاوه آنکه الزام قانونی مبتنی بر احراز توبه، ندامت و اصلاح جایی برای طرح این بحث باقی نمی‌گذارد. حاصل آنکه تا پیش از اصلاحات متعاقب قانونی سقوط مجازات یا تخفیف در گرو احراز توبه، اصلاح و ندامت بزهکار باشد اما می‌توان از این ابتکار استفاده کرد که در فرض عدم احراز توبه فرصتی به بزهکار داده شود تا اصلاح و آثار توبه را از خود بروز دهد. بدین ترتیب که از نهادهایی چون تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم یا آزادی مشروط بهره‌مند شد و با نظارت بر بزهکار، در خصوص احراز یا عدم احراز توبه تصمیم‌گیری نمود.

نتیجه

وسعت اختیارات حاکم در جرایم تعزیری، این امکان را برای نظام قضایی ایران فراهم ساخته است که با پذیرش نهاد توبه و از رهگذر ترویج شرمسازسازی بازپذیرکننده مناسب‌ترین راهکار را در مواجهه با بزهکار بیابد. این راهکار محل مناسبی برای کاهش جمعیت کیفری زندان است.

با وجود این، بررسی سیاست جنایی تقنینی پرده از این حقیقت برمی‌دارد که علی‌رغم تمام پیشرفت‌های موجود، سیاست کیفری کارآمد در خصوص توبه در جرایم تعزیری اتخاذ نشده است. عدم پذیرش توبه در تعزیرات منصوص شرعی، تکرار جرم و درجات ۱ تا ۵ تعزیر قابل انتقاد بوده و با سیاست جنایی اسلام در تناقض است. تأکید بر احراز توبه، اصلاح و ندامت بزهکار نیز تکلیفی دشوار است در حالی که مقنن می‌تواند با اصلاح قانون و اعطای اختیار گسترده به قاضی جهت پذیرش توبه مجرمان زمینه استفاده از ظرفیت عظیم نهاد توبه را فراهم سازد. البته این به معنای آن نیست که در پذیرش توبه مرتکبین افراط شود و به صرف ادعای لفظی به سقوط مجازات حکم شود. بلکه مقصود آن است که قاضی این اختیار را داشته باشد و لوازم قانونی استفاده بهینه از این اختیار نیز برای وی فراهم شود؛ مانند آنکه از دستورهای مراقبتی و همچنین اعمال نظارت کنترلی و حمایتی متناسب استفاده نماید یا آنکه با تشکیل پرونده شخصیت و با مدد مشاوران ذی‌ربط مناسب‌ترین واکنش در قبال بزهکار توبه‌کننده اتخاذ شود.

عدم تعیین سازوکار دقیق برای پذیرش توبه در مراحل مختلف رسیدگی نیز رویکردی قابل انتقاد است. آن‌چنان که پذیرش توبه مرتکب پس از قطعیت حکم در قانون مسکوت است و تنها می‌توان از پیشنهادهایی نظیر عفو یا آزادی مشروط استفاده کرد که البته در بردارنده امتیاز ویژه‌ای برای فرد توبه‌کننده نمی‌باشد.

هرچند که دامنه پژوهش مذکور، محدود به سیاست جنایی تقنینی است اما ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که سیاست جنایی قضایی نیز با رویکرد کنونی قانونگذار تناسب ندارد. توبه نهادی مهجور در سیاست جنایی قضایی است و تمامی جستجوهای نگارنده برای یافتن رأی محدود به موارد انگشت‌شماری شد که آن هم به جرایم حدی اختصاص دارد. بنا به اذعان خود قضات بدینی و عدم باور مجرمان، کمبود وقت و تراکم کاری بالا، اشکالات ساختاری و عدم تعیین دقیق سازوکارهای اجرایی مانع آن است که از نهاد توبه استفاده بهینه نمود و حتی برخی به

این نکته اشاره داشته‌اند که توبه مرتکب در حقیقت قرینه‌ای بر ارتکاب جرم توسط وی تلقی می‌گردد و علیه مجرم استفاده می‌شود. به همین مناسبت ضروری است که پژوهش‌هایی با موضوع بررسی نهاد توبه در ساختار نظام قضایی ایران (از رهگذر انجام مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای)، مطمح نظر پژوهشگران قرار گیرد.

فرهنگ‌سازی عمومی علیه مجازات‌گرایی، آموزش قضات و فراهم نمودن ساختارهای مناسب امکان بهره‌مندی حداکثری از نهاد توبه را فراهم می‌نماید. در این شرایط آثار منفی سیاست جنایی تقنینی نیز با هوشمندی و ابتکار عمل قضات به حداقل می‌رسد و نکته حائز اهمیت آن است که یک قاضی بتواند که از امکانات موجود به بهترین شکل استفاده نماید؛ مانند آنکه در موارد محدودیت در پذیرش توبه مرتکب به سایر نهادهای ارفاقی تمسک جوید.

منابع

فارسی

۱. کتاب

- آشوری، محمد. (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، میزان.
- انصاری، قدرت‌الله، انصاری، محمدجواد، بهشتی، ابراهیم، طباطبایی، سید علی اکبر. (زمستان ۱۳۸۶). تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- جریده اصل، سعید. (۱۳۹۵). تبیین فقهی - حقوقی تعزیرات منصوص شرعی، تهران، مجد.
- خالقی، علی. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی‌ویکم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- شامیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، مجد.
- شاهچراغ، سید حمید، حاجیلو، حسن. (۱۳۹۵). شرح آیین دادرسی کیفری (اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی و ...)، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- شکری، رضا، سیروس، قادر. (۱۳۸۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم، ریاضت، زینب. (۱۳۹۳). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، تهران، میزان.
- شبیری، عباس. (۱۳۷۲). سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- صالح احمدی، سحر. (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، مؤسسه گام حق.
- فاضل لنکرانی، محمد. (بی‌تا). جامع المسائل، جلد ۱، قم، انتشارات امیر قلم.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۹۳). ملاحظاتی درباره قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلیا. (۱۳۸۶). تاریخ تحولات زندان، تهران، میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه، جلد ۴، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، محمودی، عباسعلی. (۱۳۸۱). زبان زندان، تهران، انتشارات حقوقی.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن. (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۵ ق). تعزیر و گستره آن، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۴). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۱۹ ق). بایسته‌های فقه جزا، چاپ اول، تهران، نشر میزان - نشر دادگستر.

- الهام، غلامحسین، برهانی، محسن. (بهار ۱۳۹۶). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، واکنش در برابر جرم، جلد دوم، تهران، میزان.
- برایت ویت، جان. (۱۳۹۶). جرم، شرمساری، بازپذیرندگی، ترجمهٔ رحمان صبوحی، محمد رضوانی و مرتضی عارفی، تهران، مجد.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمهٔ محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عوا، محمدسلیم. (۱۳۸۵). درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمهٔ حمید روستایی صدراآبادی، تهران، انتشارات سلسبیل.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۸۷). احیا علوم‌الدین، جلد ۴، ترجمهٔ مویدالدین محمد خوارزمی، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

۲. مقاله

- برهانی، محسن، نادری‌فرد، مریم. (بهار ۱۳۹۴). تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی. پژوهش حقوق کیفری. شماره دهم، سال سوم.
- بهره‌مند، حمید. (بهار ۱۳۹۶). سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. شماره ۸۲.
- توجهی، عبدالعلی، ابراهیم‌وند، حسام. (زمستان ۱۳۹۳). لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. شماره ۶۸.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، رجبی، محمد. (پاییز ۱۳۹۴). تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. حقوق اسلامی. شماره ۴۶، سال دوازدهم.
- داوریار، محمدعلی. (بهار ۱۳۸۴). توبه و سقوط مجازات‌ها. مجله مطالعات اسلامی. شماره ۶۷.
- زراعت، عباس. (پاییز ۱۳۸۶). توبه عذر معاف‌کننده یا عامل سقوط مجازات. مطالعات اسلامی. شماره ۷۷.
- ساریخانی، عادل، توکل‌پور، محمدهادی. (تابستان ۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی تعزیرات منصوص شرعی با تأکید بر نظرهای شورای نگهبان. فصلنامه دانش حقوق عمومی. سال پنجم.
- صابر، محمود، رفیع‌زاده، علی. (پاییز ۱۳۹۴). مقررات شکلی و ماهیتی توبه در نظام قانونگذاری کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۰، شماره ۷۱.
- صادقی، محمدهادی. (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). نقش توبه در حدود و تعزیرات. پژوهشنامه حقوق کیفری. شماره دوم، سال چهارم.
- طاهری، محمدعلی، امینی، جهاندار. (بهار ۱۳۹۳). توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا. مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی. شماره ۳۵، سال نهم.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۰). فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام. ماهنامه رواق اندیشه. شماره ۲.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسین. (۱۳۷۵). توبه و نقش آن در سقوط مجازات از دیدگاه حقوق جزای اسلامی. دیدگاه‌های حقوق قضایی. شماره ۳.
- موسوی جنوردی، سید محمد؛ سلطانیان، مریم. (۱۳۸۶). تأثیر توبه بر سقوط مسئولیت کیفری حدود با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی. پژوهشنامه متین. شماره ۳۷.

غیر فارسی

عربی

کتاب

- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ ق). **لسان العرب**، جلد ۱، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- الطایبی، یحیی. (۱۳۸۱). **التعزیر فی الفقه الاسلامی**، قم، بوستان کتاب.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ ق). **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، جلد ۱، بیروت، دار العلم للملایین.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین. (۱۴۰۳ هـ ق). **الکافی فی الفقه**، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ ق). **من لا یحضره الفقیه**، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد. (بی تا). **ریاض المسائل**، جلد ۲، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- فاضل‌هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). **کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، جلد ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). **الکافی**، جلد ۷، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**، جلد ۷۸، تهران، مؤسسه وفا.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد ۴۱، بیروت، دار احیا التراث العربی.